

بیانیه سیاسی کمیته برگزاری تظاهرات فرانکفورت- آلمان

کمیته فعالین کارگری - سوسیالیستی

دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۸۸

کارگران، زنان و مردان آزادیخواه، جوانان مبارز،

خطاب ما به شماست

جنبشی در جامعه براه افتاده است،

جامعه ای که در آن استثمار، اعدام، شکنجه، سنگسار و زن ستیزی و ستم ملی و مذهبی وجود دارد، شورش رخ خواهد داد. سی سال پیش نیز همین جامعه برای آزادی بپا خاسته بود که با سلطه ی ارتجاع جمهوری اسلامی درهم شکست. اما مبارزه برای آزادی فروکش نکرد. سلب آزادی شده گان بار دیگر بپاخاسته اند و آنرا قدرت سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی یارای فرونشاندن نیست. سنگینی سی سال واپسگراترین و ضدانسانی ترین استثمار طبقاتی بر پشت خمیده کارگران و زحمتکشان فرودست جامعه ای است که ارزش نیروی کارشان به حساب سرمایه داران و ماشین سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و انگلهای جامعه رپوده شده است، تحمیل بر دوش کودکان کار است که بجای شرایط تحصیل و نشاط برای تامین معاش خانواده حتی از رشد جسمانی باز مانده اند. کارگران هرچه بیشتر کار کرده اند تیره روزتر و بیش از پیش از ارزش کارشان کاسته و بر رنج آنان افزوده شده است. در برابر تلاش برای خودسازمانیابی با زندان و شلاق و اخراج از کار روبرو شده اند. روزی نیست که کارگران کارگاه و یا کارخانه ای برای دریافت دستمزدهای به تعویق افتاده خویش متوسل به تحصن و اعتصاب نگردند.

جمهوری اسلامی سی سال تمام برای منحرف ساختن مسیر تضادها و تناقضات اش در برابر مطالبات بی پاسخ کارگران و توده های مردم، با نیرنگ و فریب اسلامی، کمونیست ها، نیروهای انقلابی و تهاجم "استکبار جهانی" به عنوان اشباح خارجی را آماج انتقام قرار داده است. اما کسانی که در کشتارگاه های رژیم جنایتکار اسلامی قربانی حریصانه ی این نظام سرمایه داری شدند، کمونیست ها و انقلابیونی بودند که تسلیم توهم و نیرنگ طبقاتی آن رژیم نگردیدند.

در این خیزش جاری زنان در برابر ستم طبقاتی - جنسیتی به عنوان نیروهای جدید انقلابی در صفوف نخست مبارزه ضرب آهنگ جنبش را توان هرچه بیشتری بخشیده اند. جوانانی که در شرایط جمهوری اسلامی هیچ افقی برای تلاش و زندگی خود ندارند، برای رهایی از ستم اجتماعی - طبقاتی، جسورانه در برابر ارگان های سرکوبگر رژیم جنایتکار شگفتی می آفرینند.

این بار نیز حرکت رو به پیش جامعه با آشفته گی ها و ابهامات بسیاری مواجه است. مهمترین چالش های واقعی جنبش اجتماعی، اکنون با این پرسش روبرو است، که راستای این خیزش به کدام سمت و سوی در حرکت است. در بی سازمانی و فقدان تشکل یابی، نقطه ی آغاز درک موقعیت کنونی فقط چهره ضدانسانی این رژیم نیست، بلکه آگاهی یافتن از ماهیت مناسبات سرمایه دارانه آن که مذهب را دستاویزی برای تحمیق و تاراج هرچه بیشتر ثروت های اجتماعی و ارزش های آفریده شده توسط فروشندگان نیروی کار قرار داده است می باشد.

ستیز تمامی جناح های جمهوری اسلامی در این میان، توسل به فریب پارلمانی بود که خود در دام آن گرفتار آمده است. بخش وسیعی از توده های جامعه که توهمی به انتخابات داشتند به درک واقعی از نمایندگی پارلمانی دست یافتند. آنان پی بردند که چگونه براحتی با آرای آنان و با باورهایشان بازی شد. میلیون ها انسان خشمگین از این که اهداف و آرزوهایشان در قعر صندوق های رأی مصادره گردید فریاد برآورده اند. اما فریاد و خشم کافی نیست، اگر این اضطراب ها به آگاهی تبدیل نگردند، سرانجام تنها به خشمی فرو خورده کاسته خواهد شد.

آگاهی به ضرورت اشکال مستقیم و روشن نمایندگی به عنوان اراده ی همبسته و شورایی جامعه است که خواهد توانست بجای نمایندگی غیرمستقیم پارلمانی و از پیش تصمیم گیری شده، اراده توده های مردم را تضمین نماید.

این جنبش باید بتواند تصور موهوم و فریبنده ی رژیم جمهوری اسلامی را که خواهد توانست با بردگی فکری، توده های جامعه را در فرا رفتن از مرزهای ایمان و خرافه تا ابد به تثبیت و تحمیل فقر و استثمار، پذیرش استبداد سرمایه وادار نماید نقش بر آب کند. زنان و مردان کارگر، جوانان آزادی خواه جامعه، به عمل مستقیم در برابر این حکومت روی آورده اند. تا به اجتماعی فارغ از فقر و خانه خرابی، اعتیاد و تن فروشی نابرابری اجتماعی و استثمار انسان از انسان دست یابند. اجتماعی آزاد و انسانی، رفاه و امکان شکوفایی استعدادهای رهیده از بردگی مزدوری و فکری برپا دارند. اجتماعی که انسان ها خود نماینده خویش باشند، ارزش های آفریده شده بدست خود به تصاحب دستگاه دولت و سرمایه داران در نیاید.

توهم پردازی به " انتخابات آزاد " در چارچوب نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر اراده مطلقه " ولی فقیه" است فقط یک طنز هولناک می باشد. در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، " انتخابات آزاد " فقط امکان انتخاب میان مرگ و بندگی است، نه آزادی. در چنین انتخاباتی این واقعیت انسان است که نابود می شود. در شرایط جمهوری اسلامی مطلقاً چیزی بنام انتخابات آزاد نمی تواند وجود داشته باشد، نه در گذشته ی آن وجود داشت و نه در آینده اش وجود خواهد داشت. نهال آزادی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی " سبز " نیست پژمرده است.

برای تحقق این اهداف باید هوشیار بود، رژیم جمهوری اسلامی نیز هوشیار است. صدای انقلاب آنان را به تکاپو واداشته تا از فروپاشی "نظام" جلوگیری نمایند. نبایستی مسیر "اعتکاف" را که در چارچوب "قانون اساسی" جمهوری اسلامی و برای حفظ و بقاء آن رژیم ترسیم می شود پیمود. مبارزات ما نبایستی به استبداد جدیدی بی انجامد، این سرنوشت جامعه ی ما نیست که تلاش های تاریخی اش در پی آمد خود همیشه با شکل دیگری از دیکتاتوری و خودکامگی مواجه گردد.

اهداف کسانی که خواهان توقف جنبش توفنده ی مردم در چارچوب "قانون اساسی" جمهوری اسلامی می باشد دستیابی به برابری در حقوق است که اساساً مستلزم تغییر ساختار در نظام جمهوری اسلامی نیست. تمایل آنان مشارکت برابر در امتیازات تمامیت خواهی جناح - باند غالب می باشد. جنبشی دگرخواه، رادیکال و انقلابی است که با فرا رفتن از وضعیتی که در آن قرار گرفته قابل تعریف باشد. افق های جنبش اجتماعی از اهداف رهبری محافظه کار هنگامی که توده های مردم به سوی رادیکالیسم و نفی تمامیت جمهوری اسلامی گرائید نمی تواند چیزی غیر از عقب نشینی و تاکید بر حفظ "نظام" که در تضاد با جنبش بالفعل کارگران و آزادی خواهان است باشد. آنان جنبش زنده اجتماعی را به "اعتکاف" دعوت کرده اند. آنان کوچکترین باوری به ابتکار خلاقانه شما مردم ندارند. آنان از فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی همچون پیشینیان خود که در وصف انقلاب ۵۷ گفته بود؛ "باران خواستیم سیل آمد"، از جنبش رادیکال اجتماعی هراسناک هستند.

کارگران، زنان و مردان مبارز، جوانان آزادیخواه، وقت آن رسیده است که از بزیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین تردیدی بخود راه ندهیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته فعالین کارگری - سوسیالیستی

۲۵ یولی ۲۰۰۹